

صحبت کردن با اطفال در مورد ...

ناراحتی از رفتار بزرگسالان

برگه های «صحبت کردن با اطفال در مورد ...» می خواهد شما را به امتحان کردن صحبت کردن با اطفال تان علاقه مند بسازد، چون فقط تلاش بحث پذیر کردن و صحبت کردن در آن باره مسائل دشوار جلوگیری میکند از خشونت، دستکاری، تجاوزجنسی، تبعیض و سردرگمی و این کار توانمند می سازد، آزادانه از این که کودک فعالانه گوش می کند یا نه. خودش می داند که شما یک فرد تماس هستید یا خواهید بود وقتی حرف خیلی مهم داشته باشد چون که شما جرات دارید در مورد چیزهای خجالت آور یا استرس زا صحبت کنید. در زیر اطلاعات و جملات نمونه برای صحبت با کودکان در مورد موقعیت ها یا کلمات آزاردهنده آورده شده است.

SELBSTlaut

Fachstelle gegen sexualisierte Gewalt an
Kindern und Jugendlichen
Vorbeuauna · Beratuna · Verdachtsbeileituna

Selbstlaut

Tel.

Email.

Web.

Thaliastraße2/2A, 1160 Wien

+43 1 810 90 31

office@selbstlaut.org

selbstlaut.org

این جزوه بخشی از کمک صحبت کردن در مورد 5 موضوعات زیر است:

- (1) حقوق کودکان و کمک به خشونت
- (2) تجاوز جنسی به کودکان و رضایت (اجماع) به راحتی توضیح داده می شود
- (3) ناراحتی از رفتار بزرگسالان
- (4) آموزش جنسی و برخورد با پورنوگرافی
- (5) اضطراب، استرس و تروما

مجموعه «صحبت کردن با اطفال درباره...» توسط تیم Selbstlaut برای گفتگو با کودکان در سنین ابتدایی تهیه شده است. برخی از چیزها نیز می تواند برای کودکان از حدود 12 یا 13 سال مناسب باشد. عموماً جوانان به اصطلاحات دیگری نیاز دارند که در این مجموعه نخواهید یافت.

عصبانیت زانی است که شخصی کاری انجام می دهد یا می گوید که دیگران را گیج می کند. سپس وضعیت عجیب و ناخوشایند به نظر می رسد. اغلب آدم نمی داند چه بگوید. و اینکه آنچه بزرگسال گفته یا انجام داده خنده دار است یا بد. به خصوص زمانی که بزرگسالان دیگر طوری رفتار می کنند که انگار همه چیز عادی است و چیزی نمی گویند سخت است. سپس کودکان احساس حماقت و تنهایی می کنند.

تشخیص و نامگذاری تحریکات به این صورت هرگز آسان نیست. اگر ما بزرگسالان نمونه ای برای کودکان باشیم تا حداقل تلاش کنند، این گام بزرگی است به سمت این که کودکان بتوانند چیزی را که به نظرشان عجیب است اعتماد کنند. صحبت کردن با بچه ها در مورد ... تمرین می خواهد، زمان می برد، چند دقیقه اینجا، پانزده دقیقه آنجا، چند ثانیه اینجا. به هر حال تمرین کن آن را امتحان کنید. ساده تر و رایج تر می شود.

شما مادر، عمه، پدر، برادر، مادرخوانده، پدربزرگ و مادربزرگ هستید ...

از این که یک دوست خوب خانوادگی تان کودک را قلقلک یا قفتک می دهد و صمیمیت نامناسب برقرار می کند، عصبانی می شوید...

چی میتوانید بگویید ...

شما نمی خواهید کسی را به اشتباه متهم کنید، نمی خواهید سرگرمی را برای کودک خراب کنید، بیشتر از همه دوست دارید ... به همین راحتی نمی توانید ذهن خود را آرام کنید.

وضعیت قفتک دادن در محیط خصوصی

متوجه شدم که تو اغلب با X بسیار سرگرم می شوی. به نظر می رسد که شما خوب با هم کنار می آید. با این حال، می خواهم بدانی که گاهی اوقات نحوه بازی او با تو من را عصبانی می کند. این مرا آزار می دهد. او آنقدر تو را قلقلک می دهد که مطمئن نیستم هنوز برای تو راحت و سرگرم کننده است یا نه. گاهی یک نوع اعتماد خاصی با تو ایجاد می کند که بعد باید به آن فکر کنم. شاید همه اینها را خیلی پیچیده می بینم، پس بیشتر از این به آن فکر نکن. اگر چیزی را پیچیده یا گیج کننده می دانی، اکنون می دانی که من به این فکر می کنم که آیا برای تو مناسب است یا خیر.

رفتار نامناسب یک معلم همکار - مثالی که از نحوه صحبت کردن پس از تحریک ممکن است به نظر برسد (حتی اگر هر موقعیت و ناراحتی متفاوت باشد).

مثلاً شما معلم هستید و دانش آموز ابتدائی را در صنف های تقویتی همراهی می کنید. معلم کمکی و چند کودک در اتاق هستند. صندلی خالی وجود ندارد. معلم کمکی از دانش آموز می خواهد که روی بغلش بنشیند. وضعیت آزاردهنده و نامناسب است. دوباره دانش آموز را با خود می برید و اجازه می دهید تا پایان درس در اداره نزدیک شما بازی کند.

به دگر دانش آموزان کلاس تقویتی چه می توانید بگویید؟

چه چیزی می توانید به دانش آموز بگویید:

من هفته گذشته همصنفی شما را با خودم بردم زیرا فکر می کردم نامناسب است که معلم به او پیشنهاد کند روی بغلش بنشیند. من فکر می کنم معلم باید مطمئن شود که در صنف صندلی های کافی برای همه وجود دارد. برخی از کودکان ممکن است آرزو کنند که بتوانند روی پاهای او بنشینند. ناعادلانه و نامناسب است که معلم این موقعیت ها را به گونه ای سازماندهی کند که حس رقابت را بین دانش آموزان ایجاد کند. شما این شرایط را چگونه تجربه کردید؟ شاید من چیزی را فراموش کردم یا ندیدم که مهم باشد.

من تو را پس با خود گرفتم چون به نظرم مناسب نبود که معلم به تو پیشنهاد کرد روی بغلش بنشینی. او باید یک صندلی راحتی برای تو ترتیب می داد یا می توانستیم با هم فکر کنیم که کجا می توانی راحت و خوب بنشینی. متاسفم اگر شرایط برای تو شرم آور بود. برای من مهم است که معلمان بچه ها را در موقعیت های مهم یا عجیب قرار ندهند. ممکن است معلم فکر نکرده باشد. ممکن است بیشتر اوقات چنین موقعیت هایی را ایجاد کند تا بتواند کودکان را روی دامن خود بگیرد و نزدیکی آنها را احساس کند. این کار اجازه نیست. سعی می کنم با او صحبت کنم و به او بگویم که رفتارش را نامناسب می دانم. اگر او این کار را عمداً انجام می دهد، هیئت مدیره مکتب باید با او صحبت کند. فکر می کنم پدر و مادرت هم می توانند از تو حمایت کنند. شاید برای تو احساس خوبی باشد که در مورد آن به آنها بگویی. در مورد آن چه فکر می کنی؟ ...

چند جملات پیشگیرانه عمومی در رابطه بین معلمین و دانش آموزان:

بچه‌ها می‌توانند روی بغل یکدیگر بنشینند، در یکدیگر را آغوش بگیرند، دست دردست بگیرند، برای شوخی بجنگند، عاشق شوند، رازهای خود را به یکدیگر بگویند، به هم هدیه بدهند و خیلی چیزهای دیگر اگر برای هر دو کودک مناسب باشد و احساس خوبی داشته باشند.

معلمان نباید چیزهای پنهانی را به کودکان بگویند. به ویژه، آنها نباید از کودکان بخواهند که راز آنها را نگاه کنند.

آنها اجازه ندارند بچه‌ها در آغوش خود گرفته لمس کنند یا ناز بدهند.

آنها نباید برای کودکان هدیه بدهند و از آنها انتظار انجام کاری را داشته باشند.

معلمان نباید قصداً کودکان را گیج کنند.

اینها قوانین مهمی در مکتب هستند و برای من مهم است که همه معلمان، والدین و بچه‌ها این را بدانند. سپس همه میتوانند با این قوانین آشنا باشند.

معلمان وظیفه دارند از همه کودکان مراقبت کنند، نه از برخی به طور خاص و از برخی دیگر بسیار کمتر.

اگر کودکی غمگین است و نیاز به آرامش دارد، می‌تواند فکر خوبی باشد که معلم آن کودک را روی دامن خود بگیرد و به او آرامش دهد.

یک معلم نباید دائماً بچه‌ها را روی بغل خود بگیرد. برای معلمان، مکتب محل کار است و نه یک محل ناز دهی. همچنین، برای بچه‌هایی که نمی‌خواهند سر بغل بشینند هم بد است. به خصوص وقتی همه چیز خیلی عادی و راحت به نظر می‌رسد. چه کسی دیگه به معلم می‌گوید «من آن را نمی‌خواهم؟»

برای من مهم است که شما بچه‌ها در مکتب احساس راحتی کنید، اما همچنین می‌توانید مطمئن باشید که همه معلمان و همه کسانی که در مکتب کار می‌کنند از قوانین یکسان پیروی می‌کنند.

نظرات بزرگسالان در مورد ظاهر یا هویت یک کودک:

شما از اظهار نظر بزرگسال دیگری که همراه با خنده است در مورد فرزندتان یا یک کودک دیگری، عصبانی می‌شوید: «حالا تو را که نمی‌فهمم که تو پسر هستی یا دختر».

اکثراً آدم نمی‌تواند در لحظه به یک فرد بگوید که نظرش خنده دار نیست یا نامناسب یا تحریک کننده یا غیر دوستانه یا صرفاً غیرضروری است. به عنوان بزرگسالان، ما از توهین به طرف مقابل، خراب کردن روحیه، یا شاید اشتباه کردن می‌ترسیم، در حالی که ممکن است نظر واقعاً منظور خوبی داشته باشد.

اما چه جملاتی ممکن است بعداً پس از این موقعیت به کودک وجود داشته باشد؟ مثلاً:

متأسفم که در آن لحظه نمی‌دانستم چه بگویم. نمی‌دانم اصلاً اذیتت کرد یا نه، اما سعی می‌کنم دفعه بعد چیزی بگویم، مثل اینکه همه بچه‌ها احساس پسر بودن یا دختر بودن نمی‌کنند. و اینکه بچه‌ها هم می‌توانند خود را در بین (پسر و دختر) یا کاملاً خودشان را متفاوت یا گاهی این‌طور یا گاهی آن‌طور یا حداقل می‌خواهند احساس خوبی در بدن خود داشته باشند و چنین نظراتی مفید نیستند، بلکه ناراحت‌کننده هستند. یا چیزی شبیه به آن. گاهی اوقات پیدا کردن کلمات مناسب کار آسانی نیست. آیا چیزی هست که بخواهی من بگویم اگر کسی دوباره چنین چیزی را به تو بگوید؟

مرا آزار داد آنچه X به تو گفت و X طوری که او به تو خندید. هیچ قانونی در مورد اینکه یک کودک چگونه باید باشد وجود ندارد. وظیفه کودکان این نیست که مطمئن شوند بزرگسالان بدانند چه کاری انجام دهند. همچنین راه‌های زیادی وجود دارد که کودک می‌تواند خود را احساس کند و نشان دهد.

برخی از بزرگسالان می‌خواهند همه چیز را کنترل کنند و همچنین می‌خواهند کسی دختر باشد یا پسر یا اینکه بچه از چه کشوری آمده یا چگونه باید باشد. اینکه تو چگونه هستی و می‌خواهی باشی، تنها تصمیم توست و کاری شجاعانه است که به دنبال راه خود باشی.

نظرات جنسی شده بزرگسالان

یکی به فرزندت می گوید: «وقتی بزرگ شدی، دل مردان/زنان را برمی بری». یا: «اگر تو را در خیابان ببینم به طرف تو نگاه میکنم» یا «حیف است که اینقدر پیرم...» و غیره.

اکثر بزرگسالانی که شاهد چنین نظراتی میشوند می خندند، خواه آن ها را واقعاً خنده دار یا شرم آور، نامناسب، شرم آور یا آزاردهنده بدانند. کودکان از این رفتار محیط بزرگسالان یاد می گیرند که باید لبخند بزنند یا حتی احساس افتخار کنند.

ممکن است در واقع کودک احساس بدی نداشته باشد، بلکه این نظر را به عنوان یک تعریف خوب تجربه کند. اغلب اوقات، کودکان در سن ابتدائی از چنین اظهاراتی نسبتاً خجالت زده یا ناراحت می شوند. این اغلب به عنوان منبع دیگری برای سرگرمی بزرگسالان استفاده می شود و به طعنه می گویند که نیازی به سرخ شدن نیست.

بسیاری از بزرگسالان از دوران کودکی خود چنین سخنانی یا مشابه را می دانند و می توانند احساس ناراحتی را به یاد بیاورند. وقتی کسی دخالت نمی کند، بچه ها یاد می گیرند که برخی از بزرگسالان فضایی عجیبی را در مورد موضوعات مرتبط با بدن، جذابیت، تمایلات جنسی و عاشق بودن ایجاد می کنند. و دیگر بزرگسالان آن را خنده دار می دانند. تمرین می شود که بزرگسالان این گونه هستند. به نظر می رسد همه آن را عادی می دانند. بچه ها باید به آن عادت کنند. حتی اگر برای آنها شرم آور و آزاردهنده باشد.

بعد از تمام شدن شرایط به طور واقع بینانه به فرزندتان چه می توانید بگویید؟

بنابراین چون می دانند مناسب نیست، خیلی مرموز و با خنده عجیبی صحبت می کنند. چنین موقعیت ها برای همه و به خصوص برای کودکان گیج کننده است. برخی از بزرگسالان وقتی دیگران را گیج می کنند لذت می برند، احساس خوبی و قدرتمندی می کنند. برای بسیاری از بزرگسالان، این امر آنقدر طبیعی است که دیگر حتی متوجه آن نمی شوند. من آن را آزاردهنده و نامناسب می دانم و نمی خواهم یک بزرگسال تو را گیج کند و چیزهایی را به تو بگوید که نامشخص، احمقانه است و باعث ایجاد احساس عجیبی در تو می شود. شرایط برای تو چطور بود؟ اگر می خواهی، می توانیم با هم تصمیم بگیریم که دفعه بعد که او را ببینیم به X چه بگوییم. البته تو هم می توانی چیزی بگویی، اما جلوگیری از خندیدن بزرگسالان آسان نیست.

من با X عصبانی بودم. او فکر می کند وقتی چنین حرف هایی می زند برای همه به خصوص بچه ها خنده دار است. در واقع در مورد چیزهای جنسی است. او می داند که این حرف ها مناسب نیست. بنابراین وانمود کرد که این یک شوخی است. تا هیچ کس نگوید توقف کن کار درستی نمیکنی. بزرگسالان ممکن است عاشق یا علاقمند کسی شوند یا تمایلی جنسی با بزرگسالان دیگر داشته باشند، اما نه با کودکان.

نزدیکی و فاصله

شاید خوب باشد در مورد نزدیکی و فاصله، لمس های دلپذیر و آزاردهنده در خانه، و در مکتب نیز به طور فعال صحبت شود. بچه ها کدام طریقه احوالپرسی و خداحافظی با بزرگترها و همچنین با یکدیگر را دوست دارند، کدام را نه، و از کدام ها فعالانه حمایت و با کدام ها فقط موافقت می کنند. شاید اقوام یا دوستان بزرگسالی داشته باشید که ریششان هنگام بوسیدن خراش می کند، بوی عجیب می دهند، احمقانه به نظر می رسند یا بچه ها را هنگام احوالپرسی یا اظهار نظرشان می شرمانند.

احوالپرسی و خداحافظی در مدرسه چگونه است، آیا بستگی به معلم دارد؟ کدام اشکال لمس و حالات با معلمان که در آن تماس فیزیکی وجود دارد برای کودکان خوشایند است و کدام نه.

چنین گفتگوهای کوتاهی در زندگی روزمره فرصت خوبی برای تقویت کودکان است. در برابر شوخی های احمقانه، در برابر از حد گذاشتن ها، و همچنین در برابر لمس جنسی. وقتی کودک از رفتار و/یا لمس بزرگسالان ناراحت می شود، متوجه می شود که شما فردی هستید که آماده صحبت در مورد وضعیت های پیچیده هستید.

هنگامی که کودک با رفتار و/یا لمس بزرگسالان آزرده می شود، می فهمد که شما فردی هستید که آماده صحبت در مورد وضعیت های پیچیده هستید.